

بررسی تأثیر افزایش مضامین بر تحول شبیه زینب در نسخ خطی تعزیه‌نامه تکیه دولت^۱

مهرداد رایانی مخصوص^{۲**}، سمیه سلیمی^۳

چکیده

تعزیه‌نامه‌های مورد مطالعه در این مقاله، برگرفته از نسخ خطی موجود در کتابخانه مجلس به نام‌های نسخه شهادت امام حسین (ع) و درةالصدف، هر دو متعلق به محمدتقی معین‌البکاء است. نسخ خطی فوق در تقابل با نسخ هم‌نام برگرفته از مجموعه لیتن، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. مضامین در طی گذر زمان و پیشرفت شبیه‌نامه‌نویسی در دوران ناصری، ابعاد متنوع‌تری پیدا می‌کنند و حضور شبیه زینب را گسترش می‌دهند. چگونگی افزایش مضامین و گسترش روایت‌ها و داستانک‌های نمایشی، راه را بر تحول شبیه زینب به سمت شبیهی پویا باز کرده است. گاه لازم است تا برای نشان دادن تأثیر و میزان رشد متغیرها در یک قیاس و تطبیق شکلی و معنایی، نقش زنانه شبیه زینب در کنار شبیه مردان مورد بررسی قرار گیرد. یافتن عوامل مؤثر بر تحول شبیه زینب از منظر افزایش مضامین با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای بررسی می‌شود. اسناد و شبیه‌نامه‌های به‌جامانده از آن دوران، مهم‌ترین منابع موثق بر تأثیر افزایش مضامین و داستانک‌های مستقل بر شبیه زینب در نسخ خطی مربوطه است. بنابراین شبیه مجال بیشتری برای معرفی خود به مخاطب پیدا می‌کند و مضمون‌های متنوعی بروز می‌یابد. عملکردهای متفاوت شبیه زینب، سیر تحول و دگرگونی این شبیه/شخصیت را آشکار می‌کند.

واژه‌های کلیدی: تعزیه، شبیه خوانی، شبیه زینب، نسخه‌شناسی، تکیه دولت.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم سمیه سلیمی است.

۲. عضو هیئت علمی دانشکده نمایش. گروه هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) meh.Rayani0makhsoos@iauctb.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی. دانشگاه علوم و تحقیقات تهران. somayehsalimi8150@gmail.com

۱. مقدمه

شبیه زینب به منظور توصیف و تبیین سیر تطور و تنوع پردازش، در دو سطح محتوایی و ساختاری در این مقاله بحث شده است. شبیه زینب با توجه به جایگاه تاریخی حضرت زینب^(ع) در نسخ خطی شهادت امام حسین^(ع) و درةالصدف متعلق به تکیه دولت، عملکردی موثر در پیش برد روایت‌ها دارد که سبب خلق ابعاد نمایشی متعددی شده و همچنین به دلیل تحولات ادبی در دوره ناصری، بستر مناسبی برای گسترش جنبه‌های نمایشی شبیه زینب ایجاد کرده است. محققان می‌کوشند تا با بررسی نسخ خطی مذکور در تقابل با شبیه‌نامه‌های هم‌نام برگرفته از مجموعه لیتن در اوایل دوره ناصری و تأثیر شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر سیر تحول شبیه زینب از حالت ایستا به پویا با رویکردی برگشتار و رفتار شبیه زینب در دو سطح اشاره شده دست یابد و از خلال آن به چگونگی روند تغییر و تحول این شبیه از حالتی ایستا به شکلی تأثیرگذار پردازد.

مقصود از تأثیرگذاری شبیه زینب، کارکرد این شبیه/شخصیت در پیش برد وقایع داستانی و میزان وابستگی رخدادها و اتفاق‌های مستتر در شبیه‌نامه‌ها به شبیه مذکور و افزودن رخداد‌های فرعی به نسخ خطی تعزیه‌نامه دوره ناصری است که سبب پویایی شبیه زینب و بازنمایی سیر تحول و دگرگونی وی از مضامین تکراری به سوی مشخصه‌های متنوع و بدیع و در نتیجه گسترش داستانی می‌شود. این پژوهش با بررسی تأثیر شرایط اجتماعی/سیاسی دوره ناصری بر نسخ خطی تعزیه‌نامه‌های مربوطه شکل می‌گیرد تا چگونگی تأثیر شرایط مذکور را بر سیر تحول شبیه زینب بیان کند. با توجه به دگرگونی‌ها و تحولاتی که در اجتماع دوره ناصری و متون این

دوره رخ داده است، شبیه‌نامه‌ها نیز متحول شدند و جایگاه شبیه زینب به عنوان شبیه/ شخصیت محوری در روایت‌ها پرورش و گسترش می‌یابد. نسخ خطی منتخب، از مجموعه شبیه‌نامه‌های مربوط به دوره قاجار (ناصرالدین شاه) گزینش شده است؛ لذا چهار نسخه خطی متعلق به اوایل دوره ناصری و تکیه دولت مورد بررسی قرار گرفته‌اند. شبیه زینب در نسخه‌های دوره ناصری به دلیل دگرگونی شرایط اجتماعی- فرهنگی و پذیرش مشخصه‌های متعدد و تنوع موقعیت‌های نمایشی، از مرحله ایستا وارد مرحله پویا می‌شود. با توجه به گفتار شبیه مردان و زنان و همچنین گفتار شبیه زینب راجع به خویش در توصیف حالات و نگرش‌های شبیه زینب، می‌توان سیر تحول مشخصه‌ها و مضامین مربوط به شبیه زینب را در این گفتارها مشاهده کرد. همین‌طور جنس گفتارهای مردانه در شبیه‌نامه‌های دوره ناصری، نسبت به جنس گفتارهای زنانه تحت تأثیر نظام مردسالار دوره ناصری بر تسلط و قدرت شبیه مردان تأکید دارد.

۲. پیشینه تحقیق، نوآوری و ضرورت تحقیق

شبیه‌نامه‌های دوره ناصری به عنوان اسنادی موثق از اوج اعتلای نمایش ایرانی که می‌تواند منبع پژوهشی در راستای چیستی و چگونگی درام ملی باشد، کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده است و شاید دلیل این کم‌توجهی، بدخط بودن پاره‌ای از این متون و البته ناقص بودن آن‌هاست. دلیل دیگری که راه را بر پژوهش‌هایی از این دست می‌بندد، دیدگاه نمادگرایانه پژوهشگرانی چون جابر عناصری در مقاله «درآمدی بر سیمای قدیسن و معصومین» (عناصری، ۱۳۶۴)، صادق همایونی «زن در تعزیه‌های ایرانی» (همایونی، ۱۳۷۹) و لاله تقیان «تعزیه در ایران» (تقیان، ۱۳۷۹) به اشخاص

شبیهِ و به‌طور کلی شبیه‌خوانی است. منظور از دیدگاه نمادگرایانه، قرار دادن اشخاص شبیه در چهارچوب مشخص و ایستا است که شبیه را فاقد پویایی و تحرک نمایشی در روند روایت معرفی می‌کند. بنابراین جای تعجب نیست که پژوهشی در زمینه چگونگی تحول شبیه زینب و به‌طور کلی «اشخاص تعزیه» انجام نشده باشد. منابع تعزیه به‌طور کلی در سه سطح قابل ذکر هستند:

الف) پژوهش‌هایی که به قیاس تطبیقی شبیه‌نامه‌ها پرداخته‌اند، مانند کتاب رضای‌نامه از رضا کوچک‌زاده که در خصوص معرفی و تطبیق شبیه‌نامه‌های امام رضا^(ع) مربوط به دوره قاجار صورت گرفته است (کوچک‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۹).

ب) پژوهشگرانی که تمرکز خود را بر شبیه‌نامه‌های امروزی که در گوشه‌وکنار شهرها و روستاهای ایران زمین نگارش شده است، معطوف داشته‌اند که جز پاره‌ای اندک، اغلب آن‌ها فاقد جنبه‌های نمایشی و هنری و گاه کپی‌برداری از نسخ قبلی است و نمونه‌هایی از آن را در کتاب دفتر تعزیه از فتحعلی بیگی می‌توان دید که به جمع‌آوری متون شبیه‌نامه منسوب به نفرش پرداخته است (فتحعلی بیگی، ۱۳۸۲: ۱۰۳).

ج) پژوهش‌هایی نیز در راستای پیدایش و تکوین تعزیه و انواع آن صورت گرفته است که از مهم‌ترین آن‌ها، کتاب پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از عنایت‌الله شهیدی است که به بررسی تعزیه از دوره پیش از قاجار تا سراسر دوره قاجار می‌پردازد. آثار مذکور موضع دیدگاه ویژه‌ای به اشخاص شبیه «شبیهِ زینب» نداشته‌اند و به مسئله تحول شبیه در تعزیه اشاره‌ای نشده است. عنایت‌الله شهیدی در پژوهش خویش اشاره‌ای به تحول شبیه شمر در نسخه تعزیه «حُر»، معروف به کاشانی‌ها «یا منسوب به میر عزا» کرده و کاربرد آگاهانه/ ناآگاهانه عبارت «ان شاء الله» (اگر خدا

بخواهد) را توسط شبیه شمر، نوعی تحول در دیدگاه شبیه‌نامه‌نویسان و شبیه شمر می‌داند (شهیدی ۱۳۸۰: ۵۸۲). موضع مقاله پیش‌رو متناسب با رویکرد شهیدی در پژوهش فوق‌مبنی بر تحول شبیه زینب از دیدگاه تحول‌های ادبی «افزایش مضامین» و چگونگی گفتار/ رفتار شبیه، مورد توجه است.

خلق مضامین جدید و متنوع شبیه زینب در نسخ خطی دوره ناصری به دلیل بسط محتوا در راستای معرفی حالت‌های منحصربه‌فرد، سبب تحول و پویایی نمایشی شبیه زینب شده است. افزایش مضامین از دیدگاه شهیدی در قیاس با نسخه‌های هم‌نام و متأخر بررسی می‌شود؛ لذا این پژوهش به اصالت دیدگاه فوق‌پاییند بوده و در کاوش چگونگی تأثیر افزایش مضامین جدید بر پویایی شبیه زینب در نسخ خطی دوره ناصری، از نسخ قدیمی‌تر «اوایل دوره ناصری» بهره برده است. شهیدی افزایش مضامین را به دو طریق شرح و بسط گفت‌وگوها و افزودن حوادث فرعی یا گوشه‌ها بیان می‌کند:

«نخست اینکه اگر زمینه و موضوع داستان یا واقعه ظرفیت لازم را داشت، تعزیه‌ساز بی‌آنکه گفت‌وگوها را مانند نسخه‌های قدیم تکرار کند، آن را شرح و بسط می‌داد؛ [...] دوم اینکه قصه‌ها و وقایع فرعی دیگری به واقعه اصلی می‌افزودند [...] در نتیجه، این افزوده‌ها وقایع و صحنه‌های تازه‌ای پدید آوردند که یک تحول نمایشی مهم در تعزیه به شمار می‌آمد» (همان: ۲۶۰-۲۶۱).

حذف گفت‌وگوهای تکراری و طولانی و جایگزین کردن رخداد‌های جدید مربوط به شبیه زینب که «گاه مرتبط با روایت اصلی نیستند»، سبب پردازش مشخصه‌های تازه در معرفی شبیه زینب می‌شود. «دگرگونی‌های ادبی و هنری در تعزیه که در پی تحولات اجتماعی و تاریخی رخ نمود، اندکی پس از سلطنت ناصرالدین شاه به اوج خود رسیدند.

نقل نشاط انگیز و سرگرم کننده‌ای نیز به نام «گوشه» پدید آمد [...] این دگرگونی‌ها باعث پیشرفت‌هایی در کیفیت و مضمون نمایش شد» (چلکووسکی، ۱۳۶۷: ۷۲). افزایش مضامین به سه روش: ۱- شرح و بسط گفت‌وگوها؛ ۲- افزودن حوادث فرعی یا گوشه‌ها؛ ۳- افزودن ردیف (شهیدی، ۱۳۸۰: ۵۷۲) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. شرح و بسط گفت‌وگوها

خلاقیت مقتل نویسان دوره ناصری در تدوین نسخ خطی تعزیه‌نامه‌ها و توجه به اجزاء و عناصر نمایشی گفت‌وگو، طرح و خرده‌روایت‌ها در شکل‌گیری روایت‌های نمایشی، سبب پردازش شبیه زینب از ایستایی حاکم بر مضامین تکراری به تحرک و پویایی مشخصه‌های متنوع نمایشی در روایت‌های مربوطه شده است. همچنین هم‌بستگی عناصر مذکور در نسخ خطی مورد مطالعه در ایجاد فضای روایی متناسب با محتوا، ارائه موفقیت‌آمیز مضمون مورد نظر مقتل نویسان را در راستای گسترش و پردازش شبیه زینب منجر شده است. نصرالله قادری در پژوهش خود به نام آناتومی ساختار درام، نمایش‌نامه و هر اثر زبانی را دارای سه عنصر اساسی موضوع، محتوا و صورت می‌داند و موارد فوق را چنین تعریف می‌کند:

«موضوع، چکیده معنی یا پیامی است که مخاطب پس از خواندن یک اثر می‌تواند بگوید [...] محتوا عبارت است از مجموعه معانی فرعی، وقایع، حوادث و صحنه‌هایی که پیرامون مضمون و پیام اصلی تنیده شده است [...] پس صورت، عبارت است از طرح محتوا و موضوع و نظم و ترتیبی خاص و زبان و بیانی ویژه که از ذوق و زیبایی‌شناسی و تجربه‌ها و مهارت‌های فنی نویسنده مایه می‌گیرد» (قادری، ۱۳۸۰: ۳۱۳-۳۱۴).

مقتل نویسان دوره ناصری با درک ارتباط محتوا و موضوع در نسخ خطی تعزیه‌نامه‌ها، در راستای بازنمایی شرایط اجتماعی-سیاسی برآمده از جامعه آن زمان و نقش زنان در تحول‌های اجتماع و فرهنگ، به واسطه بهره‌مندی از گسترش گفت‌وگوها و روایت‌های فرعی متنوع، سبب افزایش مضامین بدیع مربوط به شبیه زینب در قالب و صورتی زیبایی‌شناسانه شده‌اند که از جمله این صورت‌ها، استفاده از ردیف در اشعار نسخ خطی مذکور است. بنابراین برای بیان تأثیر افزایش مضامین بر تحول شبیه زینب در نسخ خطی تعزیه‌نامه دوره ناصری، به بررسی دگرگونی شبیه مذکور در راستای شرح و بسط گفت‌وگوها، حوادث فرعی و صورت زیباشناسانه ردیف پرداخته می‌شود.

مقایسه بین دو نسخه هم‌نام شهادت امام حسین^(ع) به منظور درک بهتر چگونگی تحول شبیه زینب از ایستایی به پویایی و سیر تحول مضامین تکراری در نسخه قدیم به مضامین تازه در نسخه دوره ناصری، مؤثر خواهد بود. نسخه قدیم با مناجات شبیه زینب آغاز شده که مضمون «اسارت و ظلم» در تمام ابیات آن تکرار می‌شود.

«مناجات زینب: یا رب برس به داد دل زینب حزین/ ترسم شوم اسیر سپاه و گروه کین/ یا رب به اهل بیت چه ظلم و ستم رسد؟/ آیا چه بر سرم ز سپاه ظلم رسد؟/ آیا از این گروه چه آید مرا به سر؟/ اندر میان شامی و کوفی و بد سیر/ آیا شود سکینه ز ظلم و ستم اسیر؟/ آیا شود به دام بلازار و دستگیر؟» (لیتن، ۱۳۹۶: ۴۳۹-۴۴۰).

شبیه زینب در نسخه ناصری (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۲۸۹: ۱۰)، شرحی از فضای مصیبت‌بار حاکم بر اهل بیت^(ع) بیان می‌کند و اشعار دارای مضامین متنوعی چون شهادت، تنهایی و بی‌یاوری حسین و اسارت تمامی زنان حرم می‌شود. شرح و بسط گفت‌وگوهای شبیه زینب در نسخه خطی فوق با حذف مضامین تکراری و

توصیف‌های بدیع از وقایع، سبب پویایی و گسترش داستانی شده است. نسخه قدیم دوره ناصری، برگرفته از مجموعه لیتن، مکالمه‌ای طولانی از امام و شبیه زینب دارد که در نسخه جدید دوره ناصری حذف شده است.

«امام با زینب: زینب ای یادگار مادر من/ به فدای تو باد این سر من/ ساعتی نزد من بیا بنشین [...] ای دختران بی‌گسم، ای خواهران زار/ گویم وصیتی به شما با دل فگار [...] ای زینب ستم‌زده زار خون جگر/ جان تو و سکینه و طفلان بی‌پدر.

زینب با امام: راضی مشو ز مرگ تو من گریه سر کنم/ بنیاد چرخ را همه زیر و زیر کنم» (لیتن، ۱۳۹۶: ۴۴۰-۴۴۱).

مضمون «تنهایی، وصیت کردن و سپردن کودکان به زینب» در سراسر نسخه قدیم تکرار می‌شود. رخداد مشترک بین دو نسخه «خوایدن امام بر دامن زینب» است که از اطناب کلام نسخه قدیم کاسته و به شکلی موجز در نسخه ناصری بیان شده است. بسط گفت‌وگو به معنای طولانی شدن روایت‌ها نیست. گاه شرح یک رخداد با حذف مضامین تکراری و اعجاز کلام، سبب برجستگی حضور شبیه زینب و پویایی وی می‌شود. نسخه قدیم:

«امام با زینب: ز کینه چرخ گذارد بگو کجا خواهر/ حسین را ز برای تو زنده اندر دهر؟/ مراست آرزویی در دل ای ضیای دو عین/ به دامن تو رود یک دمی به خواب حسین/ بدان که هست مرا خواب آخرین خواهر/ که می‌شوم ز ستم کشته ساعتی دیگر.

زینب با امام: بیا بخواب شود پیش مرگ تو خواهر/ تو را شهید نبیند ز کینه و خنجر/ دمی خموش نشینید خواهران یک سر/ که سر نهاد برادر به زانوی خواهر/ فدای این قد و این قامتت شود زینب/ فتد ز تیشه اعدا به صد جفا و تعب/ کجاست

فاطمه بیند تو را به این خواری/ میان لشکر اعدا به این گرفتاری» (همان: ۴۴۱).

نسخه ناصری:

«امام حسین: خطاب من به تو ای خواهر نکومنظر/ سرم گذار زمانی به دامن ای خواهر/ که لحظه ای بکنم استراحت ای زینب/ دم دگر تو ز مرگم کنی سیاه به سر. زینب: بخواب ای نور چشمان ترم ای شافع محشر/ بنه سر را به زانویم بیار از دیدگان گوهر/ بخواب ای آن که گر زهرا تو را دیدی چنین غمگین/ زدی جامه به تن چاک و کشیدی مقنعه از سر» (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۳۸۹: ۱۰).

گسترش و تنوع مضامین شبیه زینب در سراسر روایت نسخه ناصری سبب ایجاز اشعار شده است. عبارت «سرم گذار به دامن، بنه سر را به زانویم، جامه چاک زدن و کشیدن مقنعه از سر» در نسخه ناصری، مقابل عبارات توصیفی «به دامن تو رود یک دمی به خواب، سر نهاد برادر به زانوی خواهر» در نسخه قدیم، سبب پویایی و تحرک نمایشی شبیه زینب شده است. شهیدی، بسط و گسترش گفت‌وگو را چنین تعریف می‌کند:

«تفصیل و گسترش کمی و موضوعی تعزیه قاعده‌ای کلی نبود؛ چون برخی از تعزیه‌ها حتی کوتاه و مختصر شدند و یا در درون و چارچوب تعزیه‌های دیگر جای گرفتند [...] حرکت و عمل و نمایاندن واقعه جای مکالمات طولانی و ملال‌آور را می‌گرفت» (شهیدی، ۱۳۸۰: ۲۶۱).

شبیه‌نامه نویسان نسخه ناصری، توضیح صحنه‌هایی که در نسخه قدیم وجود دارد، در قالب گفت‌وگو شرح و بسط داده و مکالمه بین شبیه زینب، سکینه، فاطمه، شمر با سپاه و سپاه با زینب را در نسخه قدیم به شبیه زینب، شمر و ابن‌سعد در

نسخه ناصری تقلیل داده‌اند و با تعدد و تنوع مضامین، ویژگی‌های شخصیتی شمر و شبیه زینب را بارزتر کرده و جنبه نمایشی و پویایی به شبیه زینب بخشیده است. نسخه قدیم:

«شمر با سپاه آید کوس و نقاره زنند. زینب طفل‌ها را جمع نموده گوید: بیا ای [تو] کلثوم، ایا خواهرم/ نشان طفل‌ها را تو اندر برم/ مبادا که یک سر هراسان شوند/ در این دشت پامال عدوان شوند/ همه جمع گردید اندر برم/ بریزید خاک سیه بر سرم/ سکینه تو از دل خروشی برآر/ یتیمانه از سینه جوشی برآر/ تو ای فاطمه، نوعروس حزین/ به پهلوی عمه تو ساکت نشین [...] بریزید در خیمه خرد و کبیر/ کنید عترت مصطفی را اسیر/ حسین را همه از دم تیغ کین/ از خونش کنید رنگ روی زمین» (لیتن، ۱۳۹۶: ۴۴۳-۴۴۶).

مضامینی چون حمایت از امام زین‌العابدین^(ع)، فغان از فلک و طلب یاری از خداوند، ظلم و اسارت در کنار رخداد حمله سپاه دشمن به خیمه‌گاه اهل‌بیت، در نسخه قدیم تکرار می‌شود و گفت‌وگو به‌طور مستقیم بین شمر و شبیه زینب شکل نمی‌گیرد و در نتیجه تحرک نمایشی رخ نمی‌دهد. نسخه ناصری دارای گفت‌وگوی مستقیم و پیوسته بین شمر و شبیه زینب است و این رویارویی متضاد سبب بروز ویژگی‌های خصمانه شبیه شمر و خصیصه مظلومانه و قهرمانانه شبیه زینب می‌شود. مضامینی چون پاس‌داری از خانواده، یاری از خداوند در کنار مضمون تازه فغان از ظلم و بیداد ستمگران و حکومت و باج ستاندن شمر برای گشتن امام حسین^(ع)، چهره سیاسی به شبیه زینب می‌بخشد که ناشی از بازتاب چهره سیاسی زنان در دوره ناصری و تأثیر آنان بر رخدادهای اجتماعی و سیاسی است. در نتیجه، افزایش مضامین سبب گسترش محتوا و مفهوم در روایت شده است. پیوستگی و ارتباط

کلام «شرح و بسط» شبیه زینب با شمر در نسخه ناصری، سبب پویایی شبیه زینب و کنش نمایشی وی در ادامه روایت مربوطه می‌شود:

«زینب: ایا ظالمان سپاه عنید/ حسین را کُشید از برای یزید [...] وه چه آشوبی به پا شد از برای ملک ری/ می‌کُشند فرزند زهرا بابا یا علی داد هی بی داد هی/ مسلمانان حسین امشب نخواید/ حسین تا صبح دور خیمه گردید/ دلم را رحم می‌آید کنم از خواب بیدارش» (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۲۸۹: ۱۱-۱۰).

شمر در نسخه ناصری به عنوان نیروی محرک متضاد، سبب پویایی و تحول شبیه زینب می‌شود. او در نسخه قدیم خطاب به امام حسین^(ع) چنین می‌گوید:

«کجایی حسین، ای گل باغ دین؟/ ز خیمه برون آی، صف‌ها ببین» (لیتن، ۱۳۹۶: ۴۴۵).

تعزیه‌نامه‌نویسان در دوره ناصری با واسطه قرار دادن شبیه زینب بین گفت‌وگوی شمر و امام حسین^(ع)، زمینه پویایی نمایشی شبیه زینب و گسترش داستانی را فراهم می‌کنند:

«شمر گوید: زینب ای هم‌شیره اولاد سلطان لوی/ گیرم اکنون این حسین به باشد از شاهان کی/ لشکر جرار خونخوار آمد از بهر یزید/ مرکب هستی او را در جهان سازند پی/ کن تو بیدارش بگو این شور محشر را ببین» (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۲۸۹: ۱۱).

«گفت‌وگوی دسته جمعی اهل بیت^(ع) با امام» در نسخه قدیم شهادت امام حسین^(ع) به «گفت‌وگوی زینب گوید جواب شمر در نسخه ناصری» بدل شده است. تحرک نمایشی مضمون «خشونت اشقیا» در گفت‌وگوی شمر و شبیه زینب در نسخه ناصری، سبب افزایش مضامین جدید متناسب با موقعیت رخداد مذکور و گسترش داستانی و پویایی شبیه زینب از مضامین تراژیک به مضامین سیاسی و اجتماعی می‌شود. نسخه قدیم:

«دسته جمعی اهل بیت با امام: ای شهسوار کربلا، بیدار شو، بیدار شو/ راحت ندیده جز بلا، بیدار شو، بیدار شو.

امام با اهل بیت: بودم به خواب ای بی کسان، نگذاشتید، نگذاشتید/ همراه جدّم در جنان نگذاشتید، نگذاشتید.

اهل بیت با امام: ما در اسیری می رویم، اندر حقیری می رویم/ بی کس غریبی می رویم، بیدار شو، بیدار شو. [...]

زینب با امام: برادر آه، ببین شمر بی حیای دغا/ کشیده تیغ و نموده است رو به پرده سرا» (لیتن، ۱۳۹۶: ۴۴۶-۴۴۷).

نسخه قدیم دارای مضمون تکراری اسارت و غربت است و گفت و گو به طور کلی بین اهل بیت^(ع) و امام رخ می دهد؛ اما در نسخه ناصری، گفت و گو جنبه شخصی می یابد، حالات و عواطف شبیه زینب را بیان می کند و نمایان گر پویایی و تحول روحی شبیه زینب به مضمون «عدم ستیزه با دشمن» است. همچنین رخداد «خوابیدن امام حسین بر دامان شبیه زینب» جنبه ای کنایی و استعاره ای از غفلت در برابر بیگانه و دشمن دارد؛ در حالی که در نسخه قدیم به دلیل ایستایی و عدم تحرک نمایشی شبیه زینب در برابر خشونت اشقیا، چنین اتفاقی رخ نداده است و ارتباط مضامین با یکدیگر قطع می شود. در نتیجه گسترش داستانی شکل نمی گیرد. مضامینی چون «بیداری در برابر دشمن» و «دادخواهی در برابر ظلم» در نسخه ناصری که از تقابل عنصر خشونت ظالم و تظلم خواهی مظلوم در بستر کنایی «خوابیدن» سر برآورده، سبب شرح و بسط گفت و گو، پویایی و مشخصه های منحصر به فرد شبیه زینب شده است.

«زینب گوید جواب شمر: وه چه آشوبی پیا شده از برای ملک ری/ می کشند فرزند زهرا بابا، یا علی داد هی بیداد هی/ مسلمانان حسین امشب نخوابید/ حسین تا صبح

دور خیمه گردید/ دلم را رحم می‌آید کنم از خواب بیدارش/ نخوابیده‌ست امشب
 من چه‌سان سازم خبردارش/ ای نکرده خواب راحت در جهان بیدار شو/ وی غزال
 بسته چشم از این و آن بیدار شو/ تو به خواب راحتی من در اسیری می‌روم/ دشمن آمد
 بر سرم ای جان من بیدار شو[...]

زینب: مکن ستیزه به آن کوفیان بد اختر» (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۲۸۹: ۱۱).

افزودن کنش‌های متعلق به شبیه‌های دیگر به شبیه زینب در نسخ خطی دوره ناصری سبب گسترش داستانی، برجستگی حضور شبیه زینب و مضامین تازه شده است. مضمون «دعوت امام به وداع با اهل بیت^(ع)» در نسخه قدیم شهادت امام حسین^(ع) توسط ابن سعد بیان می‌شود:

«ابن سعد با امام: مرخصی تو، ایا نور دیده زهرا/ کنی وداع همه اهل بیت عصمت را/
 برو وداع نما اهل بیت طه را/ حریم و عترت خود، نور چشم زهرا را» (لیتن، ۱۳۹۶: ۴۵۰).

شبیه زینب در نسخه ناصری آغازگر مضمون جدید «دیدار بستگان» در روند روایت است که سبب پویایی وی در ادامه روایت می‌شود:

«زینب: ای شاه عرش مسند و ای میر باوقار/ بستی به سوی من تو به حسب
 الاشاره بار/ یکره بیا به خیمه بین بلبلان خویش/ پژمرده‌اند و زار و پریشان و بی‌قرار»
 (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۲۸۹: ۱۲).

مقایسه نسخ مذکور بیانگر تأثیر مضامین جدید در خلق عملکرد متنوع شبیه زینب و شرح و بسط گفت‌وگوها با رویکرد گسترش داستانی و پویایی نمایشی شده است. سیر مضامین کلی «شهادت» در توصیف و پردازش وقایع جزئی مربوط به شبیه مذکور، در نسخه جدید بر گسترش داستانی و تحول شبیه زینب مؤثر بوده است. شرح و بسط گفت‌وگو در

پی افزایش مضامین در نسخه ناصری در شرح حال شبیه زینب از بی کسی امام حسین^(ع) و شهادت مردان خانواده، به ظهور مضامین جدید «عدم پذیرش تقدیر» می انجامد:

«زینب: کفن پپوش برادر تو در برابر زینب/ که چاک پیرهن صبر باد در بر زینب/ حسین به کربلا زینب تن نمود کفن را/ در این زمین بلا کو حسن برادر زینب؟! /کنم چه چاره که این پیرهن رود دم دیگر؟! / سر تو بر سر نی خاک تیره بر سر زینب/ چه خشک لب به زمین بلا تو جان بسپاری/ دمی نظر بنما بر دو دیده تر زینب/ گهی به ناقه عربان دمی به خوار مگیلان/ که غیر اشک چهل منزل است یاور زینب/ فغان و آه که گشتند در برابر چشمم/ شبیه ختم رسولان علی اکبر زینب/ دریغ و داد نمانده زدست ظلم نشانی/ ز فضل و قاسم و عباس و عون و جعفر زینب/ دمی نمانده که از هجده جوان عزیزم/ همی تو مانده ای ای خاک تیره بر سر زینب/ بیا در این دم آخر که من گلوی تو بوسم/ که روز مرگ وصیت نموده مادر زینب (گلویش را ببوسد)» (همان: ۱۴).

مضمون «تسلیم در برابر تقدیر» و «وفای به عهد» در مصرع «کنم چه چاره که این پیرهن رود دم دیگر؟» و «که روز مرگ وصیت نموده مادر زینب» دیده می شود؛ در حالی که در نسخه قدیم، امام حسین^(ع) بعد از طلب کفن و ناله و شیون شبیه زینب^(س)، کفن می پوشد و به میدان نبرد می رود (لیتن، ۱۳۹۶: ۴۷۰).

گسترش زمینه داستانی شهادت مردان خانواده در نسخه قدیمی (لیتن، ۱۳۹۶) و مضمون تنهایی و بی یآوری امام حسین^(ع) در مقابل دشمن، زمینه نمایشی پویایی برای حضور شبیه زینب در میدان نبرد در نسخه ناصری ایجاد کرده است:

«زینب: خدا برادر زینب معین و یار ندارد/ غمش برون ز شمارست و غمگسار ندارد/ ز بی کسی کند افغان چرا فغان ننماید/ علی اکبر و عباس نامدار ندارد/ حسین

ز پیش برو صف کشیم از عقب تو/ که ابن‌سعد بگوید حسین سپاه ندارد/ این دم
 زنان اهل حرم جملگی دلیر/ بر رخم کوفیان به نظام صف شیر/ کلثوم خواهرم تو بیا
 در یسار من/ لیلا تو هم به میمنه من قرار گیر/ کج کن تو نیز گردن تسلیم ای عروس/
 در روز رزم خاصیت ذوالفقار گیر/ فریاد کن سکینه تو چون کوس هر زمان/ بر دوش
 خویش غاشیه باب زار گیر/ تو چون یتیم و صغیری دلت کباب تراست / دعا بکن که
 دعای تو مستجاب تراست» (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۲۸۹: ۱۵).

سیر تحول شبیه زینب در نسخه قدیم از ایستایی حاکم بر وی به دلیل عدم تحرک
 نمایشی «نال و شیون» به توسعه رخداد «کفن پوشیدن»، شرح و بسط گفت‌وگوی
 شبیه زینب با امام حسین^(ع) پیرامون موضوع شهادت و فقدان حضور مردان خانواده
 در یاری رساندن به امام حسین^(ع) در ادامه روایت و بیان مضامین جدید «عدم تسلیم
 در برابر تقدیر»، سبب پویایی و هویت منحصر به فرد شبیه زینب^(س) می‌شود. افزودن
 شقاوت اشقیا به محتوای داستانی، سبب خلق مضامین جدید و مرتبط با شبیه
 زینب با توجه به جایگاه وی در سامان‌دهی و تصمیم‌گیری در لحظات بحرانی نبرد و
 در نتیجه پویایی در نسخ خطی دوره ناصری می‌شود.

حضور اشقیا در مجلس شهادت امام حسین^(ع) در دوره ناصری، زمینه تحرک نمایشی
 شبیه زینب را برای خلق مضامین و مشخصه‌های منحصر به فرد فراهم می‌کند:

«ابن‌سعد: ایا گروه، حسین یاور و پناه ندارد/ شه غریب دیگر لشگر و پناه ندارد/
 برو به میمنه ای شمر با سپاه پیاده/ برو به میمنه خولی که او پناه ندارد/ ز هر طرف
 بنوازید طبل جنگ ز هر سو» (همان: ۱۵).

مضمون «کین‌خواهی» از دشمن و «دادخواهی» از خداوند در برابر ظلم

ستمگران و به شهادت رساندن مردان اهل حرم، به طور نهفته در اشعار نسخه (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۲۸۹) وجود دارد. «کین خواهی» زمینه پویایی برای مشارکت شبیه زینب در نبرد و دعوت وی از زنان دیگر خانواده در یاری رساندن به امام حسین بی‌کس و تنها را ایجاد می‌کند. بنابراین مضامین مذکور به همراه مضامین «وفاداری» و «حمایت‌گری» از امام حسین^(ع) سبب ایجاد موقعیت نمایشی تازه در ادامه روایت، گسترش داستان و پویایی شبیه زینب در مواجهه با بحران جدید «از دست دادن تمام مردان خانواده و بی‌کسی امام حسین^(ع)» می‌شود.

مکالمه در صحنه به میدان رفتن امام حسین^(ع) در نسخه قدیم، به طور مقطع و ناتمام بین شبیه‌های زینب، سکینه و کلثوم به پایان می‌رسد:

«کلثوم: من علمدار شهید کربلایم، ای خدا/ خواهر عباس زار مبتلایم، ای خدا/

سکینه: من علمدار حسینم، ای خدا/ هم‌قرین شور و شینم، ای خدا/

زینب: ای خدا، مانده حسین بی‌کس میان کوفیان/ من جلوداری کنم بهر برادر

این زمان» (لیتن، ۱۳۹۶: ۴۷۴).

چنین می‌توان نتیجه گرفت که حذف مضامین تکراری شبیه زینب در نسخه قدیم چون «بی‌کسی، غربت، ظلم و ستم» و افزودن مضامین تازه در نسخه ناصری چون «ایستادگی در برابر ظلم» و «خشونت اشقیا»، به ترتیب سبب پویایی شبیه زینب در رخداد «کفن پوشاندن بر امام حسین^(ع) و بدرقه وی به میدان نبرد» و «حمایت‌گری و مشارکت در نبرد»، سبب شرح و بسط گفت‌وگوی شبیه زینب در ادامه روایت به میدان رفتن امام حسین^(ع) شده و همچنین برگسترش داستانی مربوط به شبیه زینب تأثیر گذاشته است. گاه شقاوت اشقیا منجر به رخداد تراژیک مستقل از روایت اصلی

تعزیه‌نامه‌ها در راستای افزایش مضامین و گسترش داستانی و در نتیجه پویایی شبیه زینب در نسخ خطی دوره ناصری می‌شود و حوادث فرعی به وجود می‌آورد.

۴. افزودن حوادث فرعی یا گوشه‌ها

افزودن گوشه‌ها به نسخ خطی دوره ناصری سبب افزایش مضامین، گسترش داستانی و پویایی شبیه زینب می‌شود. نسخه قدیم مجلس شهادت امام حسین^(ع) دارای رخداد «به میدان رفتن امام عباد» است که گفت‌وگو میان شبیه زینب، امام حسین^(ع) و امام عباد، در مضامین تکراری وصیت امام حسین^(ع)، فداکاری، بی‌کسی و غریبی و بیماری امام عباد^(ع) بیان می‌شود.

عملکرد شبیه زینب در نسخه مذکور با منع امام عباد^(ع) از رفتن به جنگ، منجر به حالتی ایستا با ناله و فغان و مناجات امام عباد و بیان ناتوانی در رفتن به میدان نبرد ناتمام می‌ماند:

«زینب با امام عباد: کجا تو می‌روی؟ ای عابدین خسته جگر! بیا به خیمه ندارم
محرمی دیگر [...] تو مکن خاک سیه را بر سرم/ باز گرد، ای نور چشمان ترم/ تو نداری
تاب جنگ کوفیان/ با تن تب دار و حال ناتوان» (همان: ۴۹۲).

حذف رخداد بالا در مجلس شهادت امام حسین^(ع) در دوره ناصری و افزودن حادثه «حکایت بیرون پریدن علی اصغر از گاهواره» با محوریت و پویایی شبیه زینب در پیش‌برد حوادث، سبب دگرگونی مضامین و شرح و بسط گفت‌وگو در راستای معرفی شبیه زینب شده است. توجه شبیه‌نامه‌نویسان در نسخ دوره ناصری به شبیه زینب، دلیلی بر حضور مؤثر و تحرک نمایشی وی در گوشه‌ها و حوادث افزوده شده به روایات

اصلی است. آغاز روایت در حکایت مربوطه از طرف شهربانو، زمینه حضور فعالانه شبیه زینب و نحوه عملکرد وی را در بستر تراژیک شهادت علی اصغر ایجاد می‌کند:

«شهربانو: زینب ای زینب بیا با حال زار/ کن نظر بر این صغیر شیرخوار»

(محمدتقی معین‌البکاء، ۱۳۸۹: ۱۹).

توجه به جنبه‌های نمایشی در گوشه‌های افزوده‌شده، شبیه زینب را از ایستایی نسخه‌های قدیمی به پویایی و تحرک نمایشی در لحظات تراژیک متحول کرده است. افزودن گوشه مذکور و حذف رخداد به میدان رفتن امام عباد^(ع)، در نسخه ناصری نه تنها منجر به طولانی شدن مجلس شهادت امام حسین^(ع) نشده است، بلکه مضامین تکراری جای خود را به مشخصه‌های منحصربه‌فرد شبیه زینب در معرفی وی به عنوان نیروی محرک نمایش و خلق سیمای سیاسی و اجتماعی شبیه زینب در بیان اعتراض به ظلم و ستم قدرتمندان داده است. رساندن پیام قساوت ظالمان در حق یک کودک بی‌گناه که هیچ نقشی در جنگ ندارد با برافراشتن بیرق آه و فغان به گوش جهانیان، حاوی پیامی سیاسی است:

«زینب: وای وای از دست رفته اصغرم/ چون کنم خاک دو عالم بر سرم/ ای یتیمان

شیون و غوغا کنید/ بیرق آه و فغان بر پا کنید» (همان: ۱۹).

گفت‌وگوی شبیه زینب با امام حسین^(ع) در ادامه روایت، سیر دگرگونی شبیه زینب را از مضامین «عدم تسلیم در برابر تقدیر» و شکایت از «ناپایداری کار جهان» به مضامین «پذیرش تقدیر و نامالیمات دنیا» به سبب پویایی و تغییر وی در بیان افکار، حالات و اعتقاد نشان می‌دهد. شهادت علی اصغر^(ع) و مضمون عدم پذیرش تقدیر توسط شبیه زینب به واسطه توسعه داستان و گفت‌وگوی شبیه زینب با امام حسین^(ع)،

سبب پویایی شبیه زینب به سوی مضمون اوج و فرود کار دنیا و جایگاه امام حسین^(ع) و یاری نکردن مردم زمانه و تحول وی به مضمون «پذیرش تقدیر» می‌شود:

«زینب: ای حسین انگشتر دین را نگیں/ ای غلام درگهت روح الامین/ چون به میدان تو علم افراستی/ از سپاه ظلم یاری خواستی/ با تو کس از مهر غم خواری نکرد/ بر تو از این قوم کس یاری نکرد/ ناگهان دیدم به صد افغان و داد/ لرزه بر گهواره اصغر فتاد/ آن چنان لرزید و بر خود می‌طپید/ کزد و جانب بند قنداش پرید/ ناگه از گهواره بر خاک اوفتاد/ سینه مالان رو سوی میدان نهاد/ از غم او ما به فریاد آمدم/ داد او دیدیم و بر داد آمدم».

امام حسین: زینب این‌ها جمله سرّ داورند/ اصغر ما اکبر ما هم سرند/ میل کرده بر سوی میدان رود/ ذره پیش اختر تابان رود/ آورش تا بر سوی یارش برم/ بر سوی یار وفادارش برم.

زینب: ای فدای لعل خشک انورت/ جان عمه باد قربان سرت» (همان: ۱۹-۲۰).

رخداد دیگری که در نسخه مربوطه بیان شده، «کهنه پیرهن» است و تأثیر آن بر پویایی شبیه زینب در ابیات زیر، به واسطه شرح و بسط گفت‌وگوها و خلق مضامین نو است. امام حسین^(ع) در نسخه قدیم:

«امام حسین: برو خواهر کفن بهرم بیاور» (لیتن، ۱۳۹۶: ۴۶۹).

دگرگونی رخداد کلی «کفن آوردن» در نسخه قدیم به مضمون جزئی «کهنه‌گی پیرهن» در نسخه ناصری، سبب تحول شبیه زینب از ایستایی به پویایی شده است.

نسخه ناصری:

امام حسین: بیاور بهر من یک کهنه پیرهن تو ای خواهر/ که بر او کس نگرود

راغب از این جمله لشگر» (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۲۸۹: ۱۳).

مضمون تازه «کهنه‌پیرهن» به همراه عبارت «کس نگردد راغب» در نسخه ناصری، انگیزه داستانی بر خواسته امام حسین^(ع) ایجاد کرده است و سبب بیان مضمون جدید «اعتقاد به ضرورت پادشاهی و نژادگی» توسط شبیه زینب می‌شود:

«زینب: تو باید ای گل من جامه از سمن پوشی/ چرا به پیکر خود کهنه‌پیرهن پوشی/ تو پادشاه حجازی رواست بر تن تو/ مهلهل یمنی چون شه یمن پوشی» (همان: ۱۳).

بنابراین بیان مضامین تازه توسط شبیه‌های دیگر «امام حسین و...» و شرح و بسط مضامین مربوطه، سبب دگرگونی شبیه زینب از ایستایی حاصل از مضمون کلی «کفن» در نسخه قدیم به پویایی حاصل از مضمون جزئی «کهنه‌پیرهن»، دلیلی بر حضور پُرننگ و منحصربه‌فرد شبیه زینب در نسخه خطی ناصری شده است.

ادامه روایت به میدان رفتن امام حسین^(ع) در نسخه قدیم در تکرار تعزیت شبیه زینب و بیان مصائب وارد بر وی، سبب ایستایی شبیه زینب می‌شود؛ درحالی‌که در نسخه ناصری عملکرد شبیه زینب در کنش پایانی روایت مورد نظر که همانا «کفن پوشاندن به امام حسین^(ع) و بدرقه به میدان نبرد» است، حاصل پویایی وی است:

«زینب: کفن چگونه بپوشد به پیکرت خواهر (کفنش بپوشد)/ کفن بپوش به قربان قد و بالایت/ کفن بپوش به قربان چشم شهادت» (همان: ۱۴).

مجلس درة‌الصدف از مجالس هم‌نام دیگری است که افزودن رخداد مربوط به شبیه زینب در نسخه ناصری، سبب پویایی شبیه زینب شده است. مجلس درة‌الصدف برگرفته از مجموعه لیتن از نسخ قدیمی دوره ناصری است (لیتن، ۱۳۹۶: ۶۵۹).

افزودن مضامین جدید در مجلس درّه‌الصدف ناصری، در بستر نمایشی مواجهه شبیه زینب با درّه‌الصدف رخ می‌دهد. در نسخه قدیم مجلس مربوطه، روایت با ورود سپاه درّه‌الصدف خاتمه می‌پذیرد؛ اما در مجلس مربوط به دوره ناصری رخداد «به یاری شتافتن درّه‌الصدف» با گفت‌وگوی وی با شبیه زینب، ادامه می‌یابد و سبب خلق مضامین جدید، گسترش داستانی و پویایی نمایشی شبیه زینب می‌شود.

آشنایی شبیه زینب با درّه‌الصدف در نسخه قدیم ناتمام می‌ماند:

«زینب با امام: ایا بیمار، این شور و فغان چیست؟/ تزلزل بر زمین و آسمان

چیست؟ [...]»

امام با زینب: مخور غم، عمه جان این قوم حیران/ زنانه و ولی در سلکِ مردان»

(همان: ۷۱۱).

مضامین شبیه زینب در نسخه قدیم بدین قرار است: گله از روزگار «مادرم ای کاشکی من را نزاد» (همان: ۶۷۷). طلب یاری از خداوند «ای خدا، بیچارگان را دادرس/ جز تو بر ما نیست کس فریادرس» (همان: ۶۷۶). همچنین مضامین رنجوری و اسیری.

تکرار مضامین سبب ایستایی شبیه زینب در نسخه مربوطه می‌شود. در پایان مجلس نیز با قطع ناگهانی رخداد «ورود درّه‌الصدف» روایت ناتمام می‌ماند. شبیه زینب در نسخه تکیه دولت، دارای مضامین متنوعی نسبت به نسخه قدیم است؛ همچنین افزودن گفت‌وگوی شبیه زینب با درّه‌الصدف، سبب شرح و بسط روایت و پویایی وی شده است. ورود مضامین جدید، متناسب با تفکر اجتماعی دوره ناصری در اشعار شبیه زینب در نسخه درّه‌الصدف مشهود است.

«زینب نصفه فرد دوم: نه کافریم که ما را چنین فکار کنید/ نه ارمنی که به ما ظلم بی شمار کنید/ قسم به حق خدا ما رواج ایمانیم/ نه از فرنگ و یهودیم ما مسلمانیم» (محمدتقی معین‌البکاء، ۳ ب).

«بیگانه‌ستیزی» از جمله مضامینی است که بیشتر از آنکه جنبه سیاسی داشته باشد، رویکردی مذهبی است. مضمون بیگانه‌ستیزی و به عبارت دیگر «ضرورت مسلمان شدن یهودیان و نصاریان» در شبیه‌نامه‌های مورد بررسی این پژوهش، به کرات مشاهده می‌شود. بنابراین گسترش رخدادهای فرعی «ورود درة الصدف» در نسخه دوره ناصری، باعث تحرک نمایشی شبیه زینب از ایستایی حاصل از مضامین تکراری «شکایت از روزگار»، «طلب یاری از خداوند» و توصیف «شرح حال» به گسترش داستانی شده و تنوع مضامین سبب پویایی شبیه زینب به سوی مضمون جدید «نژادگی مسلمانان» می‌شود که همواره بازتاب چهره اجتماعی و مذهبی مردمان دوره ناصری است.

«زینب: چه محرمی تو به من داری ای جوان فکار/ اگر زنی، به تو مردانه وارجامه چه کار؟/ بگو که اصل و نسب بر که داری؟ ای مضطر! بگو ز نام خود و هم‌رهان خود یک سرا»
 زینب: خوش آمدی تو ایا درة الصدف به برم/ خوش آمدی تو معین کبوتران حرم/ بین چگونه به دست سپه اسیر شدیم؟/ اسیر و بی کس و بی یار و دستگیر شدیم/ نبود تو ندیدی به دشت کربلا/ چها رسید به ما از مخالفان دغا/ حسین و قاسم و اکبر شهید گردیدند/ زنان اسیر سپاه یزید گردیدند/ سه روز نعل حسین در زمین کربلا/ فتاده بود در آن عین شدت گرما» (همان).

افزودن رخداد‌های فرعی به نسخ خطی تعزیه‌نامه دوره ناصری سبب پویایی شبیه زینب و بازنمایی سیر تحول و دگرگونی وی از مضامین تکراری به سوی مشخصه‌های

متنوع و بدیع و در نتیجه گسترش داستانی می‌شود. در ادامه، به بررسی افزایش بهره‌وری از ردیف و تأثیر آن بر ظهور مشخصه‌های منحصربه‌فرد و پویای شبیه زینب پرداخته خواهد شد.

۵. افزودن ردیف

سیر تحول و تنوع مضامین مربوط به شبیه زینب در اشعار نسخه جدید شهادت امام حسین^(ع)، بیانگر تأثیر بهره‌گیری شاعر از ردیف است. ردیف در این ابیات «اسمی» است. تکرار نام زینب باعث برجسته‌سازی نقش او در روایت و برانگیختن احساسات مخاطب نسبت به عواطف و خواسته‌های درونی شبیه زینب شده است. مضامینی چون: تسلیم در برابر سرنوشت، اظهار ناتوانی در چاره‌گری امور، آینده‌نگری شهادت امام حسین و علی اکبر، فغان و اندوه از ستمگری ظالمان و وفای به عهد، دیده می‌شود. پویایی شبیه زینب به واسطه «استمرار مشارکت» در امور داستان با تکرار نام وی افزایش یافته و سبب حضور پیوسته و تحرک نمایشی شبیه زینب در کل روایت شده است. (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۴:۱۲۸۹).

نوع دیگر ردیف در نسخه شهادت امام حسین^(ع)، «ردیف فعلی» است. تکرار فعل «ندارد» در ابیات مربوط به شبیه زینب، مضمون «شهادت و از دست دادن مردان خانواده» و ابراز همدردی با تنهایی و غربت امام حسین^(ع) است که مسیر روایت را در جهت حضور و مشارکت شبیه زینب و دعوت او از زنان دیگر برای جنگ و دلیری کردن در میدان نبرد فراهم می‌کند. تنوع ردیف نیز در افعال «قرار گیر» به معنای آرامش گرفتن و «گیر» به معنای گرفتن چیزی، برگستره مضامین افزوده است. مضامین رهبری و مدیریت جنگ، «حمایت‌گری از امام حسین^(ع) در لحظات بحرانی

و مشارکت و حضور در صحنه نبرد» دیده می‌شود.

«زینب: خدا برادر زینب معین و یار ندارد/ غمش برون ز شمارست و غمگسار
ندارد/ ز بی‌کسی کند افغان چرا فغان ننماید/ علی اکبر و عباس نامدار ندارد/ حسین!
ز پیش برو صف کشیم از عقب تو/ که ابن سعد بگوید حسین سپاه ندارد/ این دم
زنان اهل حرم جملگی دلیر/ بر رغم کوفیان به نظام صف شریرا/ کلثوم خواهرم تو بیا
در یسار من/ لیلا تو هم به میمنه من قرار گیر/ کج کن تو نیز گردن تسلیم ای عروس/
در روزرم خاصیت ذوالفقار گیر/ فریاد کن سکینه تو چون کوس هر زمان/ بر دوش
خویش غاشیه باب زار گیر/ تو چون یتیم و صغیری دلت کباب تر است/ دعا بکن که
دعای تو مستجاب تر است» (همان: ۱۵).

تأثیر افزودن ردیف بر اشعار مربوط به شبیه زینب در نسخه خطی مربوطه
متناسب با افکار و اندیشه شبیه‌نامه‌نویسان، سبب پویایی شبیه زینب و نگرش
نقادانه و عاطفی وی به شرایط اجتماعی آن زمان شده است. بهره‌مندی از واژگان
غالب بر فرهنگ و شرایط زیستی مردمان زمانه باعث ارتباط ملموس‌تر مخاطب با
محتوای اثر می‌شود. «ردیف اگر درست بیاید، روایت‌گر فکر و اندیشه شاعر خواهد
بود» (محسنی، ۱۳۸۲: ۶۱).

اشعار نسخه مذکور «زینب: ای نکرده خواب راحت در جهان بیدار شو/ وی غزال
بسته چشم از این و آن بیدار شو/ تو به خواب راحتی من در اسیری می‌روم/ دشمن
آمد بر سرم ای جان من بیدار شو» (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۳۸۹: ۱۱)، نشان‌گر نمود
اندیشه اعتراضی مقتل‌نویسان مذکور از زبان شبیه زینب و پویایی وی به سوی مضامین
اجتماعی- سیاسی، ظلم و بی‌تدبیری حکومت در برابر رخدادهای اجتماعی دوره
ناصری، آزادی‌خواهی و ایستادگی در برابر ظلم و دشمن است. واژگان و اصطلاحات

مورد استفاده در این ابیات مانند: خواب راحت، غزال بسته چشم، اسیری و بیداری، در شرایط اجتماعی و سیاسی دوره ناصری ریشه دارد. با توجه به آنچه در تاریخ این دوره به چشم می‌خورد، رخداد‌های ملی و میهنی ارتباط ملموسی با این واژگان دارد.

«با اینکه در آغاز سده نوزدهم ایران از اقتصاد جهانی کاملاً برکنار و جدا بود، در پایان سده کاملاً در مسیر ادغام در شبکه اروپایی تجارت بین‌المللی قرار گرفته بود. به این ترتیب، شکست‌های نظامی به امتیازات دیپلماتیک منجر شد، امتیازات دیپلماتیک، امتیازات تجاری را به دنبال آورد، امتیازات تجاری راه‌های نفوذ اقتصادی را هموار ساخت و نفوذ اقتصادی نیز صنایع سنتی را تضعیف کرد و در نتیجه آشفتنگی‌های اجتماعی شدیدی پدید آمد» (آبراهامیان، ۱۹۴۰: ۶۷).

سیر تحول و دگرگونی شبیه زینب در مضامینی چون خفقان و سکوت، فقدان آرامش فردی و اجتماعی، بیداری و آگاهی از وقایع پیرامون و تسلط بیگانه بر میهن، آزادی خواهی و ایستادگی در برابر ظلم اندیشه غالب شبیه‌نامه‌نویسان این اثر است که باعث پویایی شبیه زینب و «اتحاد معنایی و ایجاد توازن معنایی شده است» (محسنی، ۱۳۸۲: ۶۲). همچنین سیر تحول مضامین ذکرشده از ردیف اسمی زینب به ردیف‌های فعلی «ندارد»، «قرار گیر»، «گیر» و «بیدار شو» بیانگر پویایی و تحرک نمایشی شبیه زینب از مضامین تراژیک به مضامین اجتماعی-سیاسی و در نتیجه گسترش داستانی است.

شبیه زینب تحت تأثیر افزایش ردیف، فرصت بیشتری برای حضور در روایت می‌یابد و در جایگاه شبیهی برجسته و پویا برای بیان اندیشه و عواطف شاعران قرار می‌گیرد. اگرچه ردیف کار شاعران را سخت‌تر می‌کرد، اما سبب تنوع و تازگی مضامین و نیز موجب افزایش استعاره‌ها و کنایه‌ها شد (چلکووسکی، ۱۳۶۷: ۸۱)؛ «زیرا شاعر

به سبب مقید کردن خود در ساختن شعر ردیف‌دار، ناگزیر از آوردن معانی و مضامین تازه‌ای بود که مناسب ردیف باشند» (شهیدی، ۱۳۸۰: ۵۷۲).

گفت‌وگو بین شبیه زینب، امام حسین^(ع) و شهربانو در اشعار زیر با زمینه تراژیک شهادت علی‌اصغر به عنوان کودک، حاوی پیامی سیاسی از ظلم و ستم قدرتمندان است. «نقش ردیف در تداعی معانی گاه به‌گونه‌ای است که شاعر را به چشم اندازهای زیبا و صورت‌های بدیع رهنمون می‌سازد و شاعر به کمک ردیف می‌تواند صورت‌های خیالی زیبا بیافریند» (محسنی، ۱۳۸۲: ۶۴).

بهره‌مندی از ردیف در این اشعار با غلبه اندیشه نویسنندگان این اثر، بستری مناسب و پویا برای خلق صورخیال مرتبط با احساس و نگرش شبیه زینب را متناسب با تفکر غالب روایت «بیان مظلومیت‌های شبیه زینب» به‌سوی گسترش داستانی و تحرک نمایشی فراهم می‌کند. عملکرد فعالانه شبیه زینب در رخداد نمایشی «بیرون پریدن علی‌اصغر از گهواره» مبنی بر دعوت اهل‌بیت به ناله و فغان برای دادخواهی شهادت علی‌اصغر «زینب: ای یتیمان شیون و غوغا کنید/ بیرق آه و فغان بر پا کنید» (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۲۸۹: ۱۹)، با صورخیال «سرحلقه اهل‌عزا» ارتباط و وحدت معنایی می‌یابد. «امام حسین: زینب ای سرحلقه اهل‌عزا/ ای فروزان اختر برج حیا» (همان: ۱۹). واژه «عزا» در اینجا تنها به معنای غمگساری نیست؛ بلکه با هدف دادخواهی و رساندن پیام تظلم‌خواهی به گوش دشمن شکل گرفته و عملکرد ایستای شبیه زینب را از «ناله و فغان» به سوی حرکت سیاسی و اعتراضی «دادخواهی» پیش می‌برد.

صورخیال «فروزان اختر برج حیا» با عملکرد فعالانه شبیه زینب در رخداد نمایشی «آب خواستن رقیه و منع اطفال از رفتن امام به جنگ»، ارتباط و وحدت معنایی

می‌یابد. تضاد صورخیال‌ها و عملکردهای شبیه زینب ناشی از تغییر موقعیت‌های نمایشی است که در رخداد مربوطه، اهل بیت را به «صبوری و خویشتن‌داری در برابر ستمگر» دعوت می‌کند. «زینب: ای یتیمان ناله و زاری بس است/ از دو دیده خون دل جاری بس است» (همان: ۱۶).

صورخیال «ای فروزان اختر برج حیا» نشان‌گر نقش شبیه زینب در برقراری آرامش و خویشتن‌داری در لحظات تراژیک است. در نتیجه، تقابل این دو صورخیال و تعدد مضامین شبیه زینب، یکی در قالب نقش «دادخواه» و دیگری «خویشتن‌داری و سکوت در برابر ستم»، وجهه‌ای پویا به وی بخشیده است. نتیجه حاصل از قیاس دو نسخه قدیم «اوایل ناصری» و ناصری، پیرامون «افزایش مضامین» و همچنین بهره‌مندی از ردیف در اشعار نسخ مربوطه، مبنی بر سیر تحول و تحرک نمایشی شبیه زینب از مشخصه‌های تکراری به مشخصه‌های متنوع و بدیع، نشانه توجه شبیه‌نامه‌نویسان دوره ناصری به جزئیات وقایع شبیه‌نامه‌ها است.

۶. نتیجه‌گیری

هدف اصلی این مقاله، بررسی تأثیر افزایش مضامین در تحول و دگرگونی شبیه زینب در نسخ خطی دوره ناصری با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی آن دوره است. شبیه زینب در نسخ خطی اوایل دوره ناصری هویت مشخصی ندارد و تفاوتی بین وی با شبیه‌های دیگر نمی‌توان یافت؛ اما با گذر سالیان و آگاهی جامعه از تحولات فرهنگی و ارتباط با غرب و تأثیر تحولات ادبی حاصل از ترجمه کتاب‌های اروپایی و حضور زنان غربی در اجتماع، سبب تغییر نگرش مردمان آن زمان به ویژه زنان، نسبت به جایگاه اجتماعی خویش شد. شبیه‌نامه‌نویسان نیز تحت تأثیر این‌گونه دگرگونی‌ها

قرار گرفتند و شبیه زینب از ایستایی و انفعال حاصل از تکرار و کلی‌گویی حاصل از ساختار سنتی اجتماع، به پویایی و تحرک جنبشی آزادی‌خواه رسیده است. شرح و بسط گفت‌وگوها در نسخ خطی تعزیه‌نامه دوره ناصری به همراه افزودن گوشه‌ها و حوادث فرعی به روایت‌ها، متناسب با شرایط اجتماعی-سیاسی و بازتاب عواقب اقتصادی شرایط مذکور، زمینه‌ای برای دگرگونی و تحول شبیه زینب به سوی پردازش سیمای اجتماعی، سیاسی و برجستگی جنبه‌های نمایشی در شبیه مذکور می‌شود. همچنین استفاده از آرایه ادبی ردیف ضمن آرایش کلام، سبب ایجاد مشخصه‌های بدیع و تازه در اشعار به‌ویژه شبیه زینب شده است. سیر تحول و پویایی شبیه مذکور در پی تحول‌های ادبی در دوره ناصری، از مضامین تکراری و ایستا به مضامین پویا و نمایشی رخ می‌دهد.

منابع

۱. آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹). تاریخ ایران مدرن. ترجمه محمد ابراهیم فتاحی و لیلیایی. چ ۴. تهران: نی.
۲. _____ (۱۹۴۰). ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر. ترجمه احمد گل محمدی. محمد ابراهیم فتاحی و لیلیایی. چ ۱۱. تهران: نی.
۳. تقیان، لاله (۱۳۷۹). «تعزیه در ایران». کتاب ماه هنر. ش ۲۵ و ۲۶. صص ۷۰-۷۵.
۴. چلکووسکی، پیترجی (۱۳۶۷). تعزیه (نیایش و نمایش در ایران). ترجمه داود حاتمی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. شهیدی، عنایت‌الله (۱۳۷۹). تعزیه و تعزیه‌خوانی. با نظارت علمی علی بلوکباشی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۶. عناصری، جابر (۱۳۶۴). «درآمدی بر سیمای قدیسین و معصومین در نمایش‌های اسطوره‌ای-آئینی». قاموس بهار. ش ۶. صص ۱۱۵-۱۳۲.
۷. فتحعلی بیگی، داود (۱۳۸۲). دفتر تعزیه ۷: جُنگ حضرت زینب (س). تهران: نمایش.
۸. قادری، نصرالله (۱۳۸۰). آناتومی ساختار درام. چ ۵. تهران: کتاب نیستان.
۹. کوچک‌زاده، رضا (۱۳۸۹). فهرست توصیفی شبیه‌نامه‌های دوره قاجار. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای .
۱۰. _____ (۱۳۹۲). رضای‌نامه (خوانشی از شبیه‌نامه‌های رضوی). تهران: سوره مهر.
۱۱. لیتن، ویلهلم (۱۳۹۶). تشنه در میقاتگه (متن و متن‌شناسی تعزیه - مجموعه لیتن). ترجمه حسین اسماعیلی. چ ۲. تهران: معین.

۱۲. محسنی، احمد (۱۳۸۲). ردیف و موسیقی شعر. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۱۳. محمدتقی معین‌البکاء (۱۲۸۹). شبیه‌نامه‌ شهادت امام حسین (با تفضیلات شیطان و آب خواستن حضرت و بیرون پریدن علی اصغر از گاهواره و گل فرستادن فاطمه صغری و درویش و موسی و حکایت نصرانی و قیس و وزیر). کتابخانه‌ مجلس. (شماره‌ نسخه ۲۰۲۵۲).
۱۴. محمدتقی معین‌البکاء. شبیه‌نامه‌ دره‌الصدف (۲۰۲۱۰). کتابخانه‌ مجلس. شماره‌ نسخه: ۲۰۲۱۰.
۱۵. همایونی، صادق (۱۳۷۹). «زن در تعزیه‌های ایرانی». هنر. ش ۴۰. صص ۴۶-۵۴.



Investigating the Impact of the Increase of Subjects, on the Evolution of Zeinab Role in the Manuscripts of Takye Dowlat Ta'zieh nameh.

Somayeh Salimi¹, Mehrdad Rayani Makhsoos²

Abstract

The studied ta'zieh nameshs in this article are taken from the manuscripts available in the parliament library, named the Martyrdom of Imam Hossein and Durrat al-Sadaf, both belonging to Mohammad Taqi Moin ul-Boka.

The above manuscript will be compared with the manuscript of the same name taken from the Litten collection.

Over the course of time and the progress of role writing in the Naseri era, the subjects become more diverse and expand the role of Zeinab.

How to increase the subjects and expand narratives and dramatic stories has opened the way for the transformation of Zeinab role to a dynamic role.

Sometimes in order to show the effect and growth rate of the variables in a comparison and comparative form and meaning, it is necessary to examine the female role of Zeinab alongside the male role.

Finding the factors affecting the transformation of Zeinab role from the angel of increasing subjects is investigated with a descriptive analytical approach and using library resources.

The documents and role letters left from that era are the most important reliable sources on the impact of increasing subjects and independent stories on Zeinab role in the related manuscripts.

Therefore, the role gets more opportunity to introduce himself to the audience and various subjects appear.

The different functions of Zeinab role reveal the evolution and transformation of this role/character.

Keywords: Ta'zieh, Zeinab role, Manuscriptology, Takye Dowlat.

1. MA in dramatic literature, Tehran University of Science and Research: somayehsalimi8150@gmail.com

2. faculty Member of the faculty of Art at Islamic Azad University of Central Tehran Branch.